

متن پرسش

سلام علیکم: ان شاءالله تحت تاییدات حضرت بقیه الله توفیق خدمت هرچه بیشتر به مکتب محی الدین را داشته باشید. جناب استاد کتاب های شما را در حیات طیبه مرور اجمالی می‌کردم متوجه شدم نفسم قادر به همراهی با آثارتان نیست با توجه به کتاب ادب خیال عرض می‌شود که وضع من با شهید مطهری، جوادی، علامه طباطبایی هم همین گونه است من فقط مطالب عرفان نظری را طالبم حتی علاقه ای به عرفان عملی ندارم و پای بندی چندانی به اسلام ندارم و اگر این دو مورد اخیر شریعت و طریقت باشد و نظری را حقیقت بگیریم حقیقت خواه صرفم بنابراین آثار مطهری که مطالب عرفانی چندانی ندارد مطلوبم نیست یا مطالب فلسفی مطلقاً از سینا بگیر تا صدرا علقه ای ندارم، یا میزان چون گویا علامه کتومند یا شان المیزان بنحوی بوده که نمی‌توانستند مطالب عرفانی چندانی در او بیاورند البته من کامل بررسی نکردم همان معدودی که دیدم مثل حدید ذوقم را برآورده نکرد، البته ماسوای روش علامه خود مطالب قرآنی وسیع است و برای من بجز مطالب عرفانی بقیه مطالب جذابیتی ندارد و اصلاً دغدغه وجودی نسبت به آن موضوعات ندارم البته مطالب سلطان‌علی‌شاه و صفی‌علی‌شاه شاید بتواند جانم را اندکی سیراب کند ولی در مجموع با قرآن چون کتاب عرفانی لااقل بطور صریح نیست انسی ندارم. سابق سوالی مطرح کردم کتاب استاد یزدان پناه را معرفی کردید رجوع کردم حس کردم او هم از خرده شیشه های صدرا در اثرش موجودست مطلبی را اولین بار در لطائف العرفان محمدعلی حکیم دیدم و اصلش را بعداً در آثار حضرت استاد مولانا علامه ابن عربی جانم بفدایش باد و حکمتی نیافتم مگر در خوان او مضمونش اگر خطا نکنم این بود که از ظرایف عرفان اینست بقیه علوم طالبین اش ناگزیرند به آموختن اصطلاحات اما این علم مستعدینش اصطلاح ناخوانده می‌فهمند نگار من که بمکتب نرفت بنابراین بنظرم رسید وقت را اتلاف نکنم بروم سرچشمه و از مولا و خداوندم شروع کنم شما نیز شرحی بر فصوص داشتید از آنجا که متاسفانه صدراپی هستی و خوف آن دارم که در شرح شما هم خرده شیشه باشد اگر عرفان خالص است شروع کنم اگر نه شرح دیگری را معرفی کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اساساً شروحو مثل قیصری و کاشانی هم سعی دارند مبنای عقلی اشراقات جناب ابن‌عربی را حفظ کنند و بنده نیز در آن شرح، کاملاً در افق خرد جناب صدرالمتألهین با جناب ابن‌عربی همراهی دارم، همان‌طور که جناب صدرا با ابن‌عربی همراهی می‌کند و در کنش و واکنش

می‌باشد. نمی‌دانم آیا شرحی هست که به قول شما از نوع تفکر حکمی و عقلی جهت نگاه به فصوص،
جدا باشد؟ موفق باشید